

اقتصاد سیاسی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران

علی اصغر دهقانی^۱

حسین پورا احمدی^{۲*}

چکیده

تحولات مربوط به انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات زمینه تاثیرگذاری عمیق بر فراماسیون اقتصادی-اجتماعی جوامع و بازساخت بندی نظام اقتصاد سیاسی بین الملل را فراهم نموده است. دگرگونی منتج از انقلاب دیجیتال در نظام جهانی، با شدت و ضعف و تغییراتی به پنج قاره منتقل می گردد. سمت و سوی این تغییرات را نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشورها در تعامل با نظام جهانی مشخص مینماید. هدف این مقاله عبارتست از بررسی این مساله که در جمهوری اسلامی ایران، چه مولفه هایی، فهم نظام از فضای سایبر را متاثر نموده و شدت و حدت و شکل تاثیرپذیری کشور از فضای سایبر را دیکته نموده است. اقتصاد سیاسی فضای سایبر، بیان کننده چگونگی تعامل حوزه های مختلف ملی و فراملی است که طی آن کلیت فضای سایبر در وضعیت کنونی قرار گرفته است. سوال اصلی پژوهش اینست که اقتصاد سیاسی فضای سایبر در ایران چگونه بوده و چه نتیجه ای در بر داشته است؟ پژوهش جهت نیل به اهداف خود از روش کمی-کیفی بهره گرفته است. ناهمگونی در مواجهه با کلیت فضای سایبر و وزن بیشتر مواجهه منفی حاکمیت، موجبات تقابل و در نتیجه عدم استحصال پتانسیلهای آن و عدم شکوفایی را فراهم نموده است.

واژگان کلیدی: قدرت ملی، فناوری اطلاعات، اقتصاد دیجیتال، امنیت سایبری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

10.22034/ir.2022.144274



فصلنامه

پژوهش های

روابط بین الملل،

دوره یازدهم، شماره

چهارم، شماره

پیاپی چهل و سه،

زمستان ۱۴۰۰

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استاد دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

* h-pourahmadi@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۷

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهل و سه، صص ۸۷-۱۱۸

مقدمه

انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات، اقدام به ایجاد دگرگونی در نظم بین‌الملل نموده و فضای سایبر در حال حاضر به کانون قدرت و ثروت تبدیل شده است. همچون سایر پدیده‌های اجتماعی، گسترش فضای سایبر در جوامع و تمدن‌ها، پیامدهای متفاوت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی در برداشته و دولت‌ها با توجه به فرهنگ بومی خود با آن به تعامل پرداخته‌اند. درک و برداشت کشورها از این عنصر جدید، به چگونگی مواجهه و بهره‌برداری از آن شکل می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قانده مستثنا نیست. آیا نوع بازیگری ایران در فضای سایبر در مسیر بهره‌برداری از این عامل تغییر دهنده وضع موجود قرار دارد؟

ورود فناوری اطلاعات به کشورها (و از جمله ایران)، آمیخته با فشار و جهت‌دهی نظام اقتصاد سیاسی جهان‌گستر جهت اعمال حکمرانی خوب در فضای سایبر است. این فشار در جهت پیاده‌سازی ارزشهای مورد نظر نظام سرمایه‌داری مانند آزادی اندیشه و بیان، گردش آزاد اطلاعات، گسترش فرهنگ رواداری، فردگرایی و تجارت آزاد در بستر اینترنت ادامه داشته و از طریق سازمان‌های بین‌المللی متولی مدیریت و راهبری اینترنت اعمال می‌گردد. همزمان با انقلاب دیجیتال در جهان، ایران نیز در مسیر ورود عامل سایبر در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی قرار گرفته و تلاش نموده تا حد ممکن، نسبت به بومی‌سازی و تعامل با این متغیر جدید اقدام نماید. چگونگی این تعامل، با نحوه درک سیاستمداران از فضای سایبر رابطه مستقیم دارد. شاید بتوان گفت که بدلیل انطباق ذات شبکه با ارزشهای مد نظر نظام جهانی، درک و برداشت دولتمردان کشورمان از فضای سایبر، مثبت نبوده و همواره نگاه به اینترنت بعنوان عاملی مشکل‌ساز جریان داشته است. این شکل از نگاه، زمینه‌ساز برخورد سلبی با اینترنت شده و موجبات عدم استحصال کامل پتانسیل‌های فضای سایبر را فراهم نموده است.

ما در این مقاله بدنبال بررسی این موضوع می‌باشیم که اقتصاد سیاسی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران از چه مسایل و مولفه‌هایی تاثیر می‌گیرد؟ آیا فهم جمهوری اسلامی ایران از مولفه‌های مختلف فضای سایبر، درکی یکپارچه و همگن است؟ می‌خواهیم ببینیم کارکرد فضای سایبر در مولفه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امنیت

کشورمان چگونه است؟ در واقع سؤال اصلی مقاله اینست که اقتصاد سیاسی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده و چه نتایجی در بر داشته است؟ آیا شرایط جهت استحصال پتانسیلهای فضای سایبر فراهم است یا خیر؟ فرضیه اصلی مقاله اینست که ناهمگونی در مواجهه با کلیت فضای سایبر و وزن بیشتر مواجهه منفی حاکمیت، موجبات عدم استحصال پتانسیلهای آن و عدم شکوفایی را فراهم نموده است. نکته قابل ذکر اینکه محدودیتهای حجمی مقاله ما را از بیان و ذکر همگی آمار و اطلاعات جنبه‌های مختلف عملکردی کشور در مولفه‌های گوناگون فرهنگ، سیاست، اقتصاد و امنیت، بازداشته است. بیان و برشماری کامل این اطلاعات، نیازمند تالیف چندین کتاب است و بنابراین در این مقاله تلاش گردیده تا در هر مولفه، شاخصی که در نگاه نگارندگان میتواند نقش فضای سایبر را در حوزه مورد بحث بخوبی نمایندگی نماید، انتخاب، و اطلاعات آن ذکر و تحلیل گردیده است. در حال حاضر در ادبیات رشته مسائل گوناگونی در زمینه شکاف دیجیتال و نگاه‌هایی با ادبیات انتقادی و بعضاً رئالیستی جریان داشته و حوزه‌های وسیعی از مسایل فضای سایبر را پوشش میدهند که مرتبط با هدف این پژوهش نبوده و بنابراین مورد اشاره قرار نگرفته است. فلذا رویکرد نظری مقاله و هدف این پژوهش که صرفاً ارزیابی اقتصاد سیاسی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران با نگاهی لیبرالیستی است، بیان حوزه خاصی از داده‌ها را به ما دیکته می‌کند و بنابراین بدنبال ارزیابی کلیه مسایل مرتبط با فضای سایبر در کشور نمی‌باشیم. بنابراین هدف این پژوهش، بررسی اقتصاد سیاسی فضای سایبر ایران در شرایطی است که فناوری اطلاعات به کانون نوین قدرت و ثروت تبدیل شده است. برای دستیابی به این منظور، پژوهش به پنج بخش اصلی تقسیم می‌شود. پس از بررسی پیشینه پژوهش در قسمت اول، در بخش دوم، به رویکرد نظری پژوهش می‌پردازیم. بخش سوم به اقتصاد سیاسی جهان‌گستر فضای سایبر اختصاص دارد. در بخش چهارم، رؤوس کلی و مبنایی مرتبط با فهم و برداشت جمهوری اسلامی ایران از فضای سایبر بررسی شده و در بخش پنجم، تحت عنوان اقتصاد سیاسی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران، عملکرد کشور در فضای سایبر در مولفه‌های مختلف فرهنگ، سیاست، اقتصاد و امنیت مورد ارزیابی و تحلیل قرار خواهند گرفت.

روش پژوهش

بررسی موضوع پژوهش بر مبنای رویکرد اقتصاد سیاسی بین الملل، منوط به استخراج شاخصهایی در مولفه های فرهنگ، سیاست، اقتصاد و امنیت است. شاخصهای مورد نظر پژوهش در برخی مولفه ها مانند اقتصاد، کاملاً کمی است بدین معنا که با داده‌های عددی مواجه می‌باشیم. در این گونه موارد، تحلیل نهایی با توجه به اعداد و ارقام و بصورت پوزیتیویستی صورت می‌پذیرد. در برخی دیگر از مولفه‌ها مانند فرهنگ، با شاخصهایی غیر عددی و کیفی روبرو هستیم که برای تحلیل، ضروریست تفسیر خود را از شاخص کیفی استخراج شده، بیان نماییم. فلذا این مقاله از روش کمی-کیفی برای پاسخ به سؤال پژوهش بهره می‌برد که روشی نوابات گرایانه است. در این روش محقق در ابتدا تلاش میکند تا با استخراج اطلاعات از منابع گوناگون و ارائه آنها، نتیجه گیری و تحلیل خود را بر پایه یکی از روشهای کمی و یا کیفی ارائه نموده و به این ترتیب در جهت تبیین فرضیه خود اقدام خواهد نمود. در این پژوهش تلاش گردیده تا در ابتدا اقتصاد سیاسی و عناصر آن مورد اشاره قرار گرفته و پس از آن با استفاده از آمار و اطلاعات، آخرین وضعیت اقتصاد سیاسی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد. جمع آوری داده‌ها از طریق مطالعات اینترنتی، کتابخانه ای و اسنادی است.

۱- پیشینه پژوهش

در عصر کنونی موضوع فناوری اطلاعات به ادبیات روابط بین الملل افزوده شده که پیچیدگیهای خاص خود را دارد. جدید بودن این حوزه پژوهشگران را به تکاپو جهت مفهوم سازی و بازتعریف مفاهیم اصلی رشته، منطبق با وضعیت جدید واداشته است. جوزف نای در کتاب قدرت در عصر اطلاعات: از واقع گرایی تا جهانی شدن، و بر پایه رویکرد نئولیبرال دیدگاه‌هایی نو در مطالعه سیاست بین‌الملل مطرح کرده و در جایگاه نظریه‌پردازی نوآور و ژرف‌اندیش قرار گرفته است. بر اساس نگاه ایشان در کتاب، پس از پایان جنگ سرد و الغای رقابت دو ابرقدرت، اکثر مفاهیم روابط بین‌الملل در حال تحول بوده و نیازمند بازتعریف می‌باشند. در این فضای جدید، مفاهیمی چون قدرت و

امنیت در حال گذار از نگاهی مضیق به موسع میباشند. اگر در گذشته قدرت صرفاً از لوله تفنگ بیرون می‌آمد و این بازدارندگی هسته‌ای بود که منطق استراتژیک دوران را شکل میداد، در زمانه جدید منابع قدرت متنوع تر شده اند. این تنوع هم از حیث منبع و هم از حیث بازیگران در حال بازتعریف مفاهیم اصلی رشته روابط بین‌الملل است. در این شرایط، قدرت سخت در شکل توان نظامی به تنهایی مبین توانمندی کشورها نیست و توان اقتصادی و فرهنگی نیز دارای نقش بارزی هستند. از طرف دیگر فناوری اطلاعات در حال پراکنده کردن قدرت است بدین معنا که تعداد بازیگران صحنه قدرت در حال افزایش است. امروزه بازیگران کوچکتر نیز توان عرض اندام در صحنه‌های جهانی را دارا میباشند. در این شرایط بنظر میرسد که مفهوم قدرت در حال فاصله گرفتن از نگاه نئورئالیستی بوده و به نئولیبرالیسم نزدیکتر میگردد. جوزف نای بعنوان یک متفکر پیشرو بخوبی توانسته این تحول مفهوم قدرت را در این کتاب ایضاح نماید.

کتابی بسیار مهم تحت عنوان فضای سایبر و روابط بین‌الملل، تئوری، چشم انداز و چالشها (۲۰۱۴) توسط انتشارات اسپرینگر به چاپ رسیده که جان فردریک کرم و بندیکت مولر ویراستاری آنرا برعهده داشته اند. این کتاب شامل فصولی متنوع در برگیرنده جنبه های مختلف تکنولوژی و فضای سایبر و تاثیر آنها در نظام اقتصادی و اجتماعی-امنیتی جهان میباشد. کتاب تلاش دارد تا در فهم سیر تکاملی نظم نوین جهانی موثر واقع گردد. نویسنده برای این نظم نوین اصطلاح جالب و گویای socio-cyber-economic system را بکار میبرد و تلاش دارد که کل نظم در حال شکل گیری را متأثر از عامل سایبر به تصویر بکشد. از نگاه ایشان توپولوژی نظم بین المللی در حال تغییر بوده و یک وستفالیای سایبری طی بیست سال شکل گرفته و مستقر خواهد شد. در این دوره زمانی بسیاری از نرم ها و مشخصات نظام، شکل گرفته و مستقر خواهد شد. مفاهیم نزاع و جنگ نیز بشدت در این دوره مورد تغییر واقع شده و در کل نحوه مواجهه بازیگران مختلف با فضای سایبر در همین دوره زمانی، زیربنای اقدام برای برنده ها و بازنده های آتی را رقم میزند. لذا میتوان گفت که هم اکنون در نقطه عطف تغییر نظم جهانی قرار گرفته ایم. در این زمان شکل مواجهه سلبی یا ایجابی کشورها با عرصه دیجیتال میتواند قدرتهای آینده را پایه گذاری نماید.

انتشارات دانشگاه ایلینوی (۲۰۱۵) اقدام به انتشار کتابی با نام اقتصاد سیاسی آزادی اینترنت به قلم شاون پاورز و مایکل جابلونسکی نموده است. این کتاب با نگاهی انتقادی در بر گیرنده مباحثی است که از پایان جنگ سرد تا زمان کنونی در زمینه ارتباطات جهانی در جریان بوده است. از آن زمان تاکنون نظام ارتباطات بین‌المللی دستخوش تغییرات فراوانی گردیده است. این نظام جدید نه تنها روابط دولت-ملتها را تغییر داده بلکه قدرتها جدیدی را وارد عرصه نموده که از توان کافی جهت تغییر نظم برخوردارند. شاید بتوان گفت مهمترین مشخصه این نظام جدید، دینامیک بودن آن است. و یکی از اهداف این کتاب، واکاوی اقتصاد سیاسی کشمکش قدرتها برای کنترل اطلاعات بعنوان یک منبع با ارزش است.

یکی از کتابهای مرتبط که خوشبختانه به زبان فارسی نیز ترجمه شده است، کتاب حقوق و امنیت سایبری در پیدایش و توسعه اقتصادها (۱۳۹۱) نوشته زینب شلهوب با ترجمه ابراهیم تلخ آبی است. نویسنده این کتاب پروفیسور شلهوب استاد سیستمهای اطلاعاتی مدرسه اقتصاد در دانشگاه مریلند است. ایشان در کتاب تاثیر فضای سایبر را بر رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته بررسی میکنند. همانگونه که میدانیم فضای سایبر و تجارت الکترونیک به نیروی محرکی جهت جهانی کردن اقتصاد تبدیل شده‌اند و کشورهایی که درگیر تجارت الکترونیک نمی‌شوند، ممکن است رقابت پذیری اقتصاد خودشان را به مخاطره بیندازند. در نتیجه سازمان‌ها و شرکت‌های زیادی در کشورهای در حال توسعه به قسمت‌های اصلی شبکه‌های جهانی و زنجیره عرضه تولیدات پیوسته‌اند و بطور روزافزون از مکانیسم تجارت الکترونیک استفاده می‌کنند. این کتاب نقش فضای سایبر در موضوع توسعه اقتصاد را مورد بررسی قرار میدهد.

یکی از کتابهای مفید درحوزه مورد تحقیق، کتابی با نام فناوری اطلاعات و سیاست جهانی (۱۳۹۵) اثر جیمز روزنا و جیمز سینگ است. مدعای اصلی کتاب اینست که گسترش فناوری اطلاعات به تغییر در ابعاد و شیوه اعمال قدرت و فرا رفتن مرکزیت اقتدار از محدوده دولت و لذا سازماندهی مجدد آن در سطح جهانی منجر شده است. شبکه مجموعه‌ای از مبادلات اطلاعاتی و ارتباطی را در بر میگیرد که هم شیوه اعمال

قدرت را تغییر داده و هم به سازماندهی حاکمیت در سیاست جهانی انجامیده است. این کتاب بیشتر از منظری تاریخی و از چشم اندازی نظری تحولات پدید آمده در حوزه سیاست و قدرت را مورد بازبینی قرار می‌دهد. اینکه چه تغییراتی در عرصه فعالان سیاسی، هویت‌ها و مسایل در سیاست جهانی به وقوع پیوسته است. از این رو تلاش شده تا نشان داده شود که چگونه شبکه‌های اطلاعاتی بوسیله تغییرات پدید آمده در عرصه فن آوری در حال شکل‌گیری هستند. فرآیندی که خود به تغییر در ابعاد و ماهیت قدرت انجامیده است. بگونه‌ای که در نتیجه تغییرات فناورانه پدیدار شده، باید از منظری جدید به قدرت نگریست تا نه تنها بعنوان توانمندی (قدرت ابزاری و ساختاری)، بلکه پدیده‌ای قوام‌بخش قلمداد شود که در قالب فن آوری اطلاعات به هویت‌ها و دستور کارهای جدید در جهان سیاست شکل می‌دهد.

مکتوبات ذکر شده فوق در فضای جهانی نگاشته شده و تلاش دارند با مفهوم‌سازی موضوع سایبر، اقدام به بازتعریف مفاهیم اصلی رشته نمایند. پژوهش‌هایی که موضوع سایبر را در جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار دهند، محدود بوده و هر یک تلاش دارند ورود فناوری اطلاعات به یکی از مولفه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور مورد بررسی قرار دهند. بعنوان مثال میتوان به رساله‌ای تحت عنوان فضای سایبر و تأثیر آن بر تحولات سیاسی و ساخت قدرت در جمهوری اسلامی ایران (محسن نجفی ۱۳۹۸) به راهنمایی دکتر حسین پوراحمدی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی اشاره نمود. این پایان‌نامه با شناسایی رویدادها و تغییرات حادث شده زمانه، مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم، چگونگی کارکرد، نقاط حساس اثرگذاری و نتایج به‌کارگیری این ابزارها در گستره اجتماعی، سیاسی و امنیتی درون ایران را بررسی مینماید. یافته‌های این پژوهش موید آن است که فضای سایبری و شبکه‌های ماهواره‌ای تغییرات ژرف و گسترده‌ای را در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در ایران ایجاد کرده است که مدیریت آنها نیازمند راهبردهای ویژه‌ای در شیوه حکمرانی و سیاستگذاری است. این پایان‌نامه تلاش دارد ورود عامل سایبر به کشور را از بعد سیاسی و قدرت مورد موشکافی انتقادی قرار دهد.

ایوب ظفری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر فضای سایبری بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر جنگ نرم، اقدام به بررسی سویه‌های ذهنی یا نرم فناوری اطلاعات بر منافع ملی کشور نموده است. این مقاله بیان میدارد که جهانی شدن و گسترش فزاینده‌ی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، که از آن به عنوان جامعه شبکه‌ای یاد می‌شود، به تحول و دگرگونی در ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منجر شده است. در شرایط جدید، چگونگی تأمین منافع ملی ایران، تا حدود زیادی نیازمند شناخت فرایندهای جهانی شدن و تعامل هدفمند با بازیگران جامعه بین‌الملل است. در انتها این پژوهش به این جمع‌بندی رسیده که فضای سایبری با توجه به فرامرزی بودن آن علاوه بر آثار مثبتی همچون دسترسی سریع به اطلاعات و ارتباط با جامعه جهانی، تأثیراتی بر امنیت و فرهنگ و هویت ما داشته است، یا به عبارتی با توجه به تأثیری که فضای سایبری ایجاد میکند، تعاملات گسترده است و ایجاد تعاملات گسترده میتواند منجر به تغییر فرهنگ و هویت باشد که منافع ملی ما نیز تغییر میکند. این مقاله از دریچه منافع ملی به مسایل نگرینسته و عمدتاً نگاهی انتقادی به فضای سایبر بروز داده است.

احمد سلطانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای بنام تحول مفهوم امنیت در پرتو جهانی شدن و فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین در نشریه سیاست جهانی، به بررسی موضوع امنیت پرداخته و بیان میدارد تحول در مفاهیم روابط بین‌الملل را می‌توان به عنوان متغیر وابسته تحول در محیط بین‌الملل مورد توجه قرار داد؛ محیطی که خود تحت تأثیر کنش‌های انسانی بوده است. در روند تحولات محیطی و مفهومی همواره می‌توان نقطه عطفی را به عنوان شناسه تحولات قبل و بعد مشخص نمود و سیر تغییر مفهومی در روابط بین‌الملل را از آنجا ادامه داد. در این میان مفهوم امنیت نیز تحت تأثیر تحولات سطح کلان بین‌الملل دستخوش تغییر شده و با شروع روند جهانی شدن و تحت تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات مفهومی چند بعدی یافته و این سؤال را مطرح می‌سازد که با شروع عصر جهانی شدن و ظهور فناوری‌های جدید، مفهوم امنیت دستخوش چه تغییراتی شده است. بر این اساس می‌توان گفت فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان متغیری جدید مطرح است که در قالب نظریات سایبر پلتیک و مبتنی بر مفهوم ارتباطات فراتر از آنچه پیش از این مطرح می‌شد، ابعاد و تعابیر مختلف امنیت

نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی را تحت تأثیر قرار داده است. افشین متقی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان واکاوی تأثیر فضای سایبر در افزایش مشارکت سیاسی و اثر آن در سطح سرمایه اجتماعی شهروندان ایران به ارزیابی کارکرد عامل سایبر در حوزه سیاسی پرداخته است. در نگاه نویسندگان، در عصر حاضر، گرایش به مشارکت سیاسی در میان شهروندان به عنوان یکی از شاخص های اصلی در نظام های دموکراتیک، ماهیتی جدید یافته است. گسترش فضای سایبر در دوران کنونی بخش جدایی ناپذیر زندگی انسان ها می باشد. هدف این پژوهش تحلیل اثربخشی نقش شبکه های اجتماعی در افزایش خودآگاهی و تأثیر مستقیم آن در افزایش مشارکت سیاسی و افزایش سطح سرمایه اجتماعی در ایران می باشد. نتایج پژوهش نشان می دهد که، افزایش قدرت شبکه های مجازی در کشور باعث افزایش خودآگاهی جامعه و افزایش سطح مشارکت سیاسی خواهد شد و در نهایت سطح سرمایه اجتماعی را بالا خواهد برد و افزایش سطح سرمایه اجتماعی باعث افزایش سطح سرمایه اقتصادی و فرهنگی می شود که نتیجه آن توسعه سیاسی کشور خواهد بود. همانگونه که ملاحظه میگردد، مقاله فوق ورود عامل سایبر را تنها از بعد سیاسی مورد بررسی قرار داده است. علاوه بر این، مطالب مطروحه در حد مفهومی بوده و تقریباً هیچگونه پیمایش عملیاتی در خصوص ایران در آن مشاهده نمی گردد.

محمد مهدی افشار و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان فضای سایبری و نقش آن در هویت و همبستگی ملی به بررسی موضوع عملکرد عامل فناوری اطلاعات در حوزه فرهنگ و هویت پرداخته و ارتباط آن با همبستگی ملی را مورد بررسی قرار داده است. نویسندگان بیان میدارند که در جهان مجازی، انسان با سرزمینی بی مرز و چندفرهنگی و در عین حال برخوردار از فضای واحد مواجه است. فضای سایبر یک نوع اجتماع و همسایگی بزرگی است که میلیون ها کاربر را در سراسر جهان بهم می پیوندد. به دنبال مدرنیته و بسط تکنولوژی های نوین اطلاعاتی و ارتباطی مانند اینترنت، نقش مکان در شکل دهی به هویت بسیار کمرنگ شد، چرا که رسانه ها و تکنولوژی های ارتباطی قادرند فرد را از مکان خودش جدا کنند و به جهان پیوند بزنند. در نتیجه افراد با منابع هویت شناختی بی شماری روبرو هستند و نتیجتاً شکل غیرمحملی و جهانی پیدا می کند.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که فضای مجازی به دلیل رشد و توسعه امروزه بر تمامی ابعاد جامعه بشری که هویت ملی به تبع آن همبستگی ملی که یکی از پارامترهای آن است تاثیر گذار می باشد. این مقاله، تاثیر فضای مجازی را تنها از بعد فرهنگ و هویت مورد بررسی قرار داده است.

تا جایی که نگارندگان امکان بررسی داشته، پژوهش‌های انجام شده در کشور، تک بعدی بوده و تاکنون پژوهشی در که دربرگیرنده تاثیر عامل سایبر در طیف مولفه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران بوده و کلیت موضوع را در ارتباط با نظام اقتصاد سیاسی جهانی مورد بررسی قرار دهد انشاء نشده است. پژوهش‌های موجود عمدتاً در حوزه‌های مفهومی اجرا شده و فاقد بعد تبیینی و عملیاتی در خصوص ایران میباشند. بنابراین پژوهش حاضر که در چارچوب رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل به بررسی کارکرد انقلاب دیجیتال در حوزه‌های گوناگون فرهنگ، سیاست، اقتصاد و امنیت کشورمان می‌پردازد، دارای نوآوری است.

۲- رهیافت تحلیلی

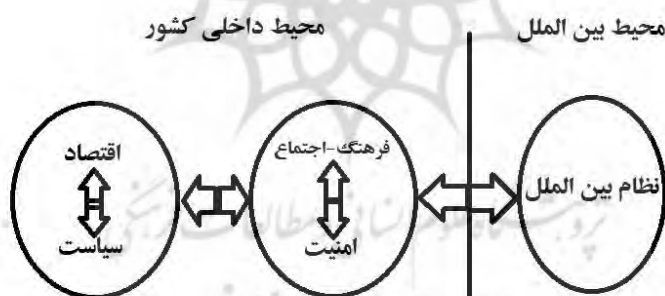
در این مقاله، اقتصاد سیاسی بین‌الملل (IPE)^۱ بعنوان رویکرد پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت؛ چرا که رویکرد مذکور، به دلیل توجه به سطوح مختلف تحلیل و ابعاد گوناگون یک موضوع یا پدیده، از کامل‌ترین رویکردها در بررسی موضوعات جهان امروز است. همان‌طور که می‌دانیم، امروزه، قدرت کشورها تک‌بعدی نبوده و مشتمل بر مولفه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی-نظامی است. لذا بر مبنای روش این پژوهش که کمی-کیفی است، ارزیابی و سنجش عملکرد یک کشور در فضای سایبر، نیازمند استخراج شاخص‌های کمی و کیفی اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی در این بستر است. رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل کاملاً با این مدل هم‌خوانی داشته و به ارزیابی همین مولفه‌ها در ارتباط بین جامعه و دولت پرداخته و نتیجه را در ارتباط با نظام بین‌الملل مورد ارزیابی نهایی قرار می‌دهد. این بخش از مقاله در ادامه دربرگیرنده بیان نظریه‌ها و پارادایم‌های مختلف درون رهیافت اقتصاد سیاسی بین‌الملل به‌ویژه نئولیبرالیسم بعنوان نظریه پژوهش خواهد بود.

۱-۲ اقتصاد سیاسی بین الملل (IPE)

آگاهی از پیوند بین اقتصاد و سیاست مختص به چند دهه یا یک قرن اخیر نیست و به دوران باستان بازمی‌گردد. توسیدید که از او به‌عنوان بنیان‌گذار روابط بین‌الملل یاد می‌کنند، ارتباط بین قدرت و ثروت را در کتاب مشهور خود به نام جنگ پلوپونزی، این‌گونه بیان می‌دارد: «جنگ آن قدر که به پول مربوط است، مربوط به تسلیحات نیست و این پول است که تسلیحات را قابل استفاده می‌کند» (کوهن، ۱۳۹۷، ۳۵).

رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل تلاشی است برای حصول یک درک جامع‌نگر درباره تحولات بین‌المللی از طریق بررسی تعاملات اقتصادی و سیاسی در سطوح ملی و بین‌المللی (ببری، ۱۷/۱/۱۳۹۳). در مجموع می‌توان گفت که مفروضات آن شامل تأثیرگذاری متقابل عرصه‌های سیاسی و اقتصادی، تأثیر متقابل اقتصاد و سیاست بر فرهنگ و اجتماع و در نهایت تأثیرگذاری متقابل سطوح ملی و بین‌المللی بر یکدیگر است. بر این اساس، تک تک جنبه‌های فوق‌الذکر بر یکدیگر اثر گذار بوده و تغییر در هر یک از این مؤلفه‌ها می‌تواند سایر مؤلفه‌ها را با تغییر مواجه سازد.

دیاگرام اقتصاد سیاسی بین‌الملل بعنوان یک رویکرد



IPE را از دیدگاه‌های مختلفی می‌توان بیان نمود یا به‌عبارت دیگر، در بررسی‌های مربوط به حوزه‌های موضوعی، می‌توان از چشم‌انداز خاصی بدان‌ها نگریست. سه نگرش و رویکرد عمده در که در بررسی‌های مذکور مورد توجه قرار می‌گیرند و هنوز هم اولویت اصلی را دارا هستند، عبارتند از: واقع‌گرایی/نواقع‌گرایی، لیبرالیسم/نئولیبرالیسم و

رویکردهای مارکسیستی یا ساختارگرایی تاریخی. با توجه به ابتدای پژوهش حاضر بر رویکرد نئولیبرالیسم، از تشریح نگرش‌های واقع‌گرای و مارکسیستی خودداری شده و از مبانی و مفروضات لیبرالیسم، به‌ویژه نئولیبرالیسم در توضیح و تبیین اقتصاد سیاسی و یکی از مهم‌ترین حوزه‌های موضوعی نوین آن یعنی فضای سایبر، استفاده خواهد کرد.

۲-۲ لیبرالیسم/نئولیبرالیسم: نئولیبرالیسم در وهله نخست، نظریه‌ای در مورد شیوه‌هایی در اقتصاد سیاسی است که بر اساس آنها، با گشودن راه برای تحقق آزادی‌های کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چارچوب نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می‌توان رفاه و بهروزی انسان را افزایش داد. نقش دولت ایجاد و حفظ یک چارچوب نهادی مناسب برای عملکرد آن شیوه‌هاست (هاروی، ۱۳۹۱، ۵). مهم‌ترین ارزشهای مورد نظر این نحله عبارتند از آزادی اندیشه و بیان، آزادی گردش اطلاعات، تجارت آزاد و فردگرایی. اندیشمندان لیبرال معتقدند که نظام بین‌الملل در حال حرکت مستمر به سمت یک ساختار شبکه‌ای، به هم پیوسته و جهانی است که قطعا با مفروضات آنارشیک سنت رئالیسم تفاوت دارد (Rosen, 1990, 7). در این فرآیند، تکنولوژی بعنوان عاملی که بازیگران را در سطوح مختلف سازماندهی میکند، مفهوم سازی شده است. آنگونه که این نظریه پردازان استدلال میکنند، فشردگی فضا-زمان مستتر در جهانی شدن، تا حدود زیادی از طریق تکنولوژیهای ICT و حمل و نقل امکانپذیر گشته است. این تکنولوژیها، تبادلات فرهنگی و اقتصادی را تا سطح غیر قابل پیش بینی ارتقا داده اند (Hoijsink, 2019, 6).

همچنین روزنا در کتاب آشوب در سیاست جهانی، شکل‌گیری دو روند دولت محوری و چند محوری در سیاست جهانی را متأثر از نقش متحول‌کننده تکنولوژی میدانند. گرچه بنظر او منابع شکل‌دهنده به تغییر و آشوب در سیاست جهانی متعددند، اما در عین حال او معتقد است که همگی، در نتیجه رشد روزافزون وابستگی متقابل حیات سیاسی-اجتماعی و اقتصادی جوامع و حاصل تغییرات سریع تکنولوژی هستند. بنابراین مهم‌ترین و قدرتمندترین منبع آشوب در سیاست جهانی را تکنولوژی میدانند. بنظر روزنا تکنولوژی، وابستگی متقابل را در هر سه سطح ملی، محلی و بین‌المللی، بسیار بیشتر از هر آنچه تاکنون اتفاق افتاده، رقم زده است. (دانش‌نیا، ۹۳: ۷).

۳- اقتصاد سیاسی جهان گستر فضای سایبر

گفته شد که اقتصاد سیاسی بین الملل در برگیرنده نحوه تعامل مولفه‌های مختلف اقتصاد، فرهنگ، سیاست و امنیت در سطح داخلی و تاثیر و تاثر آن از سطح بین‌المللی است. مهم‌ترین عامل اثر گذار بین‌المللی را می‌توان جهانی شدن در نظر گرفت. جهانی شدن در قالب نظام اقتصاد سیاسی جهانی، دائما در حال فشار و تاثیر بر کلیه فرآیندها و موضوعات داخلی و بین‌المللی کشورها بوده و فضای سایبر را در جهت تقویت ارزش‌هایی مانند فردگرایی، آزادی و دموکراسی، اقتصاد و تجارت آزاد به حرکت درآورده است.

۹۹

یکی از مهمترین مولفه‌های تاثیر پذیر از فضای سایبر، تجارت و اقتصاد است. در موضوع تجارت، فناوری‌هایی مانند زنجیره بلوکی^۱ تاثیرات عمیقی ایجاد نموده اند. زنجیره بلوکی در سطح ملی و بین‌المللی در پیشرفت تجارت بین‌الملل از جمله رویه‌های مرزی و تراکنش‌های کسب و کار و همچنین قابلیت آن جهت غلبه بر نهادهای سنتی و ایجاد اعتماد بین آنها نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید (مرادی و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۷۴). در مجموع در این پژوهش، نقش آفرینی عامل سایبر از طریق مطالعه سهم اقتصاد دیجیتال در تولید ناخالص داخلی کشورها معین می‌گردد. لایه پلتفرمی اقتصاد دیجیتال از طرح تجاری بدیعی برای درآمدزایی استفاده می‌کند. در این مدل درآمدزایی، بسیاری از خدمات قابل ارائه به صورت رایگان ارائه می‌شوند و درآمد شرکت‌ها از محل دیتای جمع‌آوری شده در حین ارائه سرویس حاصل می‌گردد. ورود این پدیده به عرصه اجتماع، نظام‌ها و ساختارهای متفاوتی را شکل داده و دلالت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود را در پی داشته است. در سطح فرهنگی، وفور اطلاعات به نوعی خودبسندگی و استقلال انسان‌ها انجامیده است. مانوئل کاستل در این ارتباط می‌گوید: به‌راستی ما در ساختار اجتماعی جدیدی زندگی می‌کنیم، جامعه شبکه‌ای جهانی^۲ که به‌وسیله فرهنگی جدید شکل داده شده است، یعنی فرهنگ خودمختاری^۳ (Castells, 2014, 5).



1 Block chain

2 Global network society

3 The culture of autonomy

این تغییر فرهنگی به تغییرات اجتماعی انجامیده است. جامعه ما، جامعه‌ای شبکه‌ای است که به وسیله اینترنت و در قالب شبکه‌های اجتماعی بر ساخته شده و به دلیل اینکه شبکه‌ها جهانی بوده و حد و مرزی ندارند، جامعه شبکه‌ای جهانی ایجاد شده است. یکی از مهمترین ابعاد این دگرگونی، خیزش شکلی از اجتماع است که اصطلاحاً جامعه من-محور خوانده شده و در جامعه‌شناسی به آن فردگرایی^۲ گفته می‌شود. لازم به ذکر است که این شکل از فردگرایی نه تنها به معنای پایان اجتماع نیست بلکه آغازی بر بازتعریف روابط اجتماعی مبتنی بر همکاری‌های شخصی و فرهنگی قوی است که بر پایه منافع، ارزش‌ها و پروژه‌های فردی شکل گرفته است (Castells, 2014, 6). این فردگرایی به معنای انزوا یا حتی کاهش اجتماعات نیست. در واقع زندگی مجازی بسیار اجتماعی‌تر از زندگی فیزیکی این روزهای ماست که به وسیله سازمان کاری و زندگی شهروندی به سمت انزوا حرکت کرده است.

تغییرات اجتماعی و ظهور و بروز جامعه شبکه‌ای دلالت‌های سیاسی خاص خود را در جامعه به وجود آورده است. قدرت و ضد قدرت^۳ به عنوان خروجی روابط اجتماعی، از طریق ساختن معنا در ذهن انسان بر ساخته می‌شوند. دستگاه‌های ایدئولوژیک و رسانه‌های جمعی از گذشته، ابزار اعمال قدرت بوده و در حال حاضر نیز هستند؛ لیکن ظهور فرهنگ خودمختار، نگاه به اینترنت و شبکه‌های ارتباطی را به عنوان ابزار اصلی ارتباط و خود سازماندهی، پررنگ کرده است. منبع اصلی بر ساختن معنا در جامعه، پروسه ارتباطات اجتماعی است. کاستلز می‌گوید: «من ارتباطات را به عنوان فرآیند اشتراک معنا از طریق مبادله اطلاعات تعریف نموده ام. ارتباطات الکترونیک به راحتی پتانسیل ورود گسترده به اجتماع را داراست و بنابراین نبرد بر سر تصاحب ذهن انسان، به شدت در این عرصه جریان دارد» (Castells, 2014, 9). در نتیجه، روابط قدرت جامعه به صورت روز افزونی در حال تسخیر توسط فضای سایبر است.

دگرگونی‌های انجام شده توسط فن آوری اطلاعات و ارتباطات، تاثیر خود را بر مولفه امنیت نیز اعمال نموده است. فناوری اطلاعات و ارتباطات با نفوذپذیر کردن مرزها

1 Me-centered
2 individualism
3 Counterpower

امنیت را از حالت کلاسیک و میان دولتها، به بازیگران فراملی و فراملی نیز انتقال داده است. بر این اساس میتوان گفت که فناوری اطلاعات و ارتباطات بعنوان متغیری جدید مطرح است که در قالب نظریات سایبر پولیتیک و مبتنی بر مفهوم ارتباطات، ابعاد مختلف امنیت نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی را تحت تاثیر قرار داده است (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۰).

با این وجود، معنای فضای سایبر در کشورهای مختلف متفاوت درک شده است. بعنوان نمونه کاربران مصر انتظارات متفاوتی از شبکه‌های اجتماعی دارند و در چین این رفتارها و انتظارات متفاوت است. این تفاوت حس عمیقی مبنی بر اینکه آنها در فرهنگهای متفاوتی زندگی کرده و نگرانیهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی دارند، به ما ارائه میدهد (Morozov, 2014, 160). در نتیجه موارد فوق؛ جهت و شکل کنونی فضای سایبر در واقع برآیند تاثیرات کلیه عوامل تشکیل دهنده نظام اقتصاد سیاسی جهانی است. بخش بعدی به رئوس کلی رویکرد کشورمان به فناوری اطلاعات می پردازد.

۴- اصول مبنایی در فهم عامل سایبر در ایران

مهمترین تفاوت ساختاری بین کشورهای توسعه یافته سایبری و آنهایی که هنوز هم در حال جدال و درگیری با این عرصه نخواستار هستند، نحوه درک ایشان از فضای مجازی است (Mbanaso, 2015, 22). فاکتورهای تعیین کننده در مفهوم سازی فضای سایبر در نظام جمهوری اسلامی ایران متأثر از پارامترهایی مانند ارزشهای سنتی، روحیه انقلابی، سطح دانش و تکنولوژی کشور و تحریمهاست. گفته میشود که ابزارهای تکنولوژیک برساخته اجتماعی و زمینه پرورده هستند. با توجه به ایجاد و تکامل ابزارهای فناوری اطلاعات در جهان غرب و خصوصاً آمریکا، عمدتاً حامل ارزشهای لیبرال مانند فردگرایی، گردش آزاد اطلاعات و دمکراسی میباشند (McCarthy, 2015, 34). ارزشهای لیبرالیستی مستتر در ذات تکنولوژی و پروتکل‌های شبکه، فاقد همراستایی با برخی ارزشهای سنتی است. بهمین دلیل در طول تاریخ همواره نوعی تکنولوژی‌هراسی در نهادهای سنتی وجود داشته و به فهم موجود از فضای سایبر شکل داده است. یکی دیگر از مسایل تاثیرگذار در اقتصاد سیاسی فضای سایبر در ایران، وجهه و رویکرد انقلابی کشور در مقابل آمریکا و غرب است. همانگونه که برخی نظریه پردازان استدلال

کرده‌اند، نوعی جبرگرایی بر سیاست کشورهای انقلابی حاکم است (دهقانی فیروزآبادی، ۹۴، ۱۸). بر این اساس این کشورها در برخی حوزه‌ها بدنبال مواجهه با غرب و در برخی حوزه‌ها مانند اقتصاد و در جهت اثبات کارایی ایدئولوژی رسمی، بدنبال پیگیری اصول توسعه میباشند. بنابراین رویکرد انقلابی نیز از موضوعات تاثیرگذار بر نگاه حاکمیت بوده است.

موضوع مهم دیگر، سطح دانش است. جمهوری اسلامی ایران در تقسیم بندیهای جهانی زیرمجموعه کشورهای در حال توسعه قلمداد میشود. عقب ماندگی تاریخی کشور در حوزه دانش، اقتصاد سیاسی فضای سایر در کشور را متأثر نموده است. در نتیجه عدم جذب دانش، فهم ما از چگونگی انتفاع از عرصه دیجیتال با نارسایی روبروست. علاوه بر این میتوان به تحریمها اشاره نمود. در حال حاضر، تحریمهای وضع شده بر علیه کشورمان، ضمن جلوگیری از ورود سرمایه خارجی به کشور، اوضاع را بحدی از بغرنجی رسانده است که اپراتورهای مخابراتی در تامین اولیه ترین نیازهای تکنولوژیکی خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده اند. مسائلی مانند دانش و تحریم نیز از جمله مسایل تاثیرگذار بر فهم عامل سایر در کشور است. در ادامه به بررسی وضعیت فضای سایر در مولفه های مختلف رویکرد اقتصاد سیاسی بین الملل در جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت. در این راستا با توجه به اهمیت موضوع فرهنگ در نگاه نهاد روحانیت بعنوان مهمترین عوامل سیاستگذار در کشور، ابتدا از این مولفه می‌آغازیم.

۵- اقتصاد سیاسی فضای سایر در جمهوری اسلامی ایران

۵-۱ فضای سایر و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران

مولفه فرهنگ در مدل نظری این پژوهش، بیانگر نقش فضای سایر در گسترش آگاهی، خودمختاری و فردگرایی است. شکاکیت و آزادی اندیشه در مسایل فرهنگی و مذهبی یکی از مهمترین ره‌آوردهای وفور اطلاعات است. عملکرد حاکمیت در این بخش از طریق بررسی تکاپوی نهادهای فرهنگی جهت کنترل این شبکه‌ها و ایستار ایشان نسبت به رواداری، جریان آزاد اطلاعات و گسترش فرهنگ آزادی قابل سنجش خواهد بود.

فضای سایر برای فرهنگ ایران میتواند کارکردی دوگانه داشته باشد یعنی همچنان که تهدیدی جدی در راستای کمرنگتر کردن ارزشهای اسلامی ایرانی به حساب می‌آید در

عین حال میتواند فرصتی در اختیار کشور قرار دهد تا از طریق آن بتواند مروج ارزشها، آموزه‌ها و تعالیم دینی باشد و در جهت تبلیغ و گسترش آن در سایر جوامع جهان بکوشد (ظفری، ۱۳۹۹، ۱۴). بنابراین جمهوری اسلامی ایران در جهت مدیریت عرصه سایبر تلاش دارد نسبت به حکمرانی این عرصه اقدام و بصورت همزمان اقدامات سلبی و ایجابی در پیش گیرد. اقداماتی مانند ایجاد مرکز ملی فضای مجازی، تشکیل مرکز کامپیوتری علوم اسلامی در سال ۱۳۶۸ با هدف دیجیتالی کردن منابع علوم اسلامی، ایجاد ساختارهای مشابهی با بودجه‌های مجزا در سایر نهادهای تبلیغاتی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه‌های علمیه، سازمانهای دولتی و قضایی در راستای تهیه محتوای فرهنگی در بستر اینترنت و به زبانهای گوناگون از جمله این اقدامات است (الوندی، ۹۵، ۴۷).

اقدام دیگر در راستای کنترل بیشتر بر فضای مجازی، تقویت پیام رسانهای داخلی است. با وجود اعمال فیلترینگ بر برخی از محبوب ترین شبکه های اجتماعی خارجی (مانند تلگرام و فیسبوک) و برخی مشوقها مانند ترافیک نیمبها و پرداخت وام به پیامرسانهای داخلی، آخرین وضعیت اشتراک مردم در شبکه‌ها نشان از آن دارد که سیاستهای اعمالی در جهت حمایت از پیام رسانهای داخلی موفقیت آمیز نبوده است. بر اساس گزارش Techrasa فارسی، میزان استقبال از پیام رسانهای داخلی بصورت متوسط حدود سه درصد و میزان استقبال از تلگرام (با وجود فیلتر بودن) حدود ۵۵ درصد (از کل جمعیت کشور) است (گزارش کاربران شبکه‌های اجتماعی ایران، ۱۴۰۰).

جمهوری اسلامی ایران در زمینه اقدامات سلبی در حوزه فرهنگی فضای سایبر نیز بسیار فعال است. مهمترین اقدام این بخش اعمال فیلترینگ بر سایتها و کانالهای ناهمسو است. در خصوص تعداد سایتهای فیلتر شده آمار دقیقی از سوی مراجع ذیصلاح داخلی منتشر نشده است ولیکن برخی منابع خارج از کشور اعلام نموده اند که ۳۵ درصد از پربازدیدترین سایتهای جهان در ایران مسدودند^۱. از جمله اقدامات دیگر تعقیب قضایی اعضای شبکه های اجتماعی است. بسیاری از اعضا یا گردانندگان کانالهای شبکه های اجتماعی دستگیر، زندانی و حتی در مواردی اعدام شده اند. (خبرگزاری مهر، ۹۹/۱۲/۱۹).

در مجموع با استناد به داده‌های فوق و با نظر داشت مولفه فرهنگ در مدل تحلیل پژوهش، میتوان گفت ورود فضای مجازی به عرصه فرهنگ، برای جمهوری اسلامی ایران با چالش همراه بوده و متولیان امر فرهنگی در کشور را در ادامه مسیر ابتدایی خود با مشکل روبرو نموده است. مولفه فرهنگ در مدل تحلیل پژوهش، بیان داشته بود که فضای سایبر بدنبال پیاده‌سازی ارزشهایی مانند آزادی، رواداری و جریان آزاد اطلاعات بوده و انسانهایی اهل تساهل و تسامح و همچنین شکاک و پرسشگر تربیت مینماید که در نقطه مقابل استلزامات فرهنگی حاکمیت قرار داشته و مورد مخالفت است. به همین دلیل و در جهت تطبیق عرصه اطلاعات با الزامات فرهنگی مورد نظر، سیاستهای ذکر شده این بخش اتخاذ، و به مورد اجرا گذاشته شده است. این در حالیست که در دنیای نوین، رواداری و تساهل بهترین روش تاثیرگذاری فرهنگی است و بنیادگرایی در حوزه کار فرهنگی، پاسخگو نیست. این رویکرد هماهنگی کاملی با سرشت فناوری اطلاعات مبنی بر بی‌طرفی شبکه نیز دارد. نظام فرهنگی کنونی، با عدم درک شرایط جدید و اصرار بر ادامه مسیر سنتی، کماکان بدنبال تربیت افراد با روشها و منطق پیشین است که نتیجه کمتری در بر دارد. در نتیجه بجای اینکه با استفاده از امکانات فقه و بردباری فرهنگی مستتر در تاریخ و فرهنگ ایران، ضمن بازتعریف خود، با استفاده از نقاط قوت اینترنت بدنبال گسترش ارتباط فرهنگی با جهان و شبکه‌سازی برآید، به مقابله با آن برخوایسته است. تنها رویکرد فرهنگی نتیجه بخش در عصر دیجیتال، تساهل و تسامح و عدم تندروی است. کسانی که مدعی باشند تمامی حقیقت را نزد خود دارند، موفقیت چندانی حاصل نخواهند کرد چرا که وفور اطلاعات زمینه ساز فرهنگی چند بعدی و جهانی‌تر است.

مجموعه تاثیرات فوق زمینه برداشت منفی از شبکه در جمهوری اسلامی ایران را ایجاد کرده که این برداشت با الفاظ و اصطلاحاتی مانند تهاجم فرهنگی مفهوم سازی و زمینه برخورد‌های سلبی شدید با اینترنت را فراهم نموده است. با توجه به سایه مساله فرهنگ بر نظام تصمیم‌گیری، این نگاه منفی به کلیت فضای سایبر تسری داده شده و کشور از مواهب استراتژیک و تغییردهنده وضع موجود این پدیده تا حدود زیادی محروم شده است. مهمترین تاثیر فرهنگ در حوزه اجتماع و سیاست قابل مشاهده است. لذا در ادامه

به ارزیابی وضعیت جنبه‌های اجتماعی - سیاسی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

۲-۵ فضای سایبر و اجتماع و سیاست در جمهوری اسلامی ایران

شاید بتوان گفت که مهمترین دستاورد شبکه های اطلاعاتی برای جامعه، جریان آزاد و وفور اطلاعات است. انحصار در ابزارهای اطلاع رسانی همواره بعنوان یکی از مهمترین منابع قدرت حکومتها مطرح بوده است. دولتها از این طریق توانسته اند تا حدود زیادی کنترل سیاسی ذهن افراد جامعه را در دست گرفته و هدایت های لازم را در جامعه پیاده نمایند. ورود فناوری اطلاعات این روند تاریخی را مختل و موجبات تفرق قدرت را فراهم نموده است (جوزف نای، ۹۵، ۵۸). به طور قطع، از بارزترین ابعاد سیاست داخلی در حوزه سیاسی که تحت تأثیر فضای سایبر و فناوری های نوین قرار گرفته، بعد توسعه و مشارکت سیاسی است. (عقیلی و جعفری، ۱۳۹۰، ۴). امروز شبکه های اجتماعی بشدت در حال نفوذ در جامعه ایرانی بوده و انتشار اخبار و بازتولید معنا از انحصار دولت خارج شده است. کاهش نفوذ رسانه های ملی و داخلی، به همان اندازه که رسانه های خارجی و رسانه های اینترنتی، مخاطب جدید کسب میکنند، همان اندازه هم از تعداد مخاطبان داخلی کاسته میشود (ظفری، ۱۳۹۹، ۲۰). بر اساس اعلان موسسه Hootsuit که بصورت تخصصی در زمینه شاخص های دیجیتالی کشورها فعالیت دارد، تا ژانویه ۲۰۲۱ بیش از ۳۶ میلیون نفر (حدود ۴۲ درصد) از مردم کشورمان عضو شبکه های اجتماعی بوده اند (Hootsuit, 2021). با این روند، انحصار اطلاع رسانی از اختیار حاکمیت خارج و به مردم و گروه های اجتماعی و سیاسی منتقل شده است. ابزاری با این درجه از اهمیت، همه گروه های اجتماعی و سیاسی را به تکاپو جهت بهره برداری در راستای اهداف خود وادار نموده است. در فضای سیاسی، گروه هایی مانند جمهوری خواهان، سلطنت طلبان، سوسیالیست ها و سایر گروه های مخالف نظام جمهوری اسلامی بشدت در حال تهیه محتوی در راستای اهداف خود میباشند.

مجموعه مسایل فوق، جمهوری اسلامی ایران را در وضعیت پایش و کنترل شبکه قرار داده است. این سیاستها شامل فیلترینگ شبکه های پر مشترک خارجی (مانند فیس بوک و تلگرام) و همچنین حمایت از پیام رسانهای داخلی است. با وجود مسدود شدن فیسبوک

و تلگرام، این دو شبکه کماکان بدون وقفه، در حال فعالیت بوده و شبکه تلگرام، در حال حاضر به یکی از مهمترین بازیگران عرصه اطلاع رسانی کشور تبدیل شده است. در زمینه حمایت از پیام‌رسانهای داخلی نیز، دولت اقدام به حمایت‌هایی مانند ارائه وام‌های بدون بهره و یا کاهش قیمت ترافیک داخلی نمود ولی با این وجود، آخرین وضعیت مشترکان آنها بر اساس اعلام مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران در بهمن ۹۹ در بهترین موارد، حدود ۴.۸ میلیون نفر است.

از جمله موانع گسترش نفوذ شبکه‌های داخلی، میتوان به نگرانی‌های امنیتی کاربران اشاره نمود. سنت حکومتداری جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تعقیب قضایی مخالفان عقیدتی و سیاسی، موجبات تردید کاربران در عضویت در پیام‌رسانهای داخلی را فراهم نموده است. با توجه به پایش شبکه‌های داخلی توسط نهادهای امنیتی، ترجیح بخشی از مردم، عدم استفاده از پیام‌رسانهای بومی است. بواسطه این محدودیت‌ها، رسانه‌های سنتی مجبور به کنترل محتوای خود هستند. از سوی دیگر رسانه‌های داخلی شرایط برابر برای ابراز عقیده و اعلام نظرات گروه‌های سیاسی در اختیار ایشان قرار نداده و زمین بازی اطلاع رسانی را از ایشان سلب نموده و بی‌طرفی رعایت نمی‌گردد. و این در حالیست که یکی از مهمترین مزیت‌های فضای مجازی، بی‌طرفی شبکه است. این بی‌طرفی است که گفتگو را ممکن می‌سازد. در واقع آزادیهای دیجیتال به آگاهی مجال داده و رواداری را بسط میدهد (توثیر علیرضا معزی، ۱۴۰۰/۱/۱۴). مردم در این فضا بدور از انحصار و جانبداری و لجاجت موجود در رسانه‌های دنیای فیزیکی، در خصوص مسایل اجتماعی و سیاسی به بحث و تبادل نظر می‌پردازند.

از دیگر کارکردهای شبکه‌های اجتماعی، امکان هماهنگ ساختن اعتراضات مردمی و رهبری آنست. در ابتدای یک جنبش انقلابی، طبیعت پرهیاهوی فضای مجازی، موجبات شروع برق آسای انقلاب را فراهم مینماید (Schmidt, 2013, 26). فضای مجازی این نقش را در اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و سالیان پس از آن ایفا نمود. با توجه به کارآیی بالای این شبکه‌ها در هماهنگی اعتراضات، پاسخ دولت، قطع گسترده اینترنت در ایام اوج اعتراضات بود. بر اساس اعلام نت‌بلاکس^۱ بعنوان مرجع

1 Netblocks

اعلام قطعی اینترنت در جهان، اینترنت همراه اپراتورهای ایرانسل، همراه اول و رایتل در دوره اعتراضات مردمی علیه افزایش قیمت سوخت قطع بوده است (Netblocks, 2019). قطعی اینترنت نشان‌دهنده قدرت بالای فضای سایبر و نتیجه بخش نبودن اقدامات دولت در مواجهه با آنست. بر اساس گزارش خانه آزادی ۱ در سال ۲۰۲۰، یکی از روندهای کنونی در جهت مقابله با اینترنت، جدا سازی شبکه در جهت حاکمیت سایبری است که طی آن کشورها در حال کاربرد قوانین خود با هدف محدود سازی جریان اطلاعات در محدوده مرزهای ملی هستند. نقطه اوج این اقدامات، حرکت به سوی ایجاد شبکه ای بنام اینترنت ملی در چین، روسیه و ایران است (FOTN, 2020, 3).

جمهوری اسلامی ایران به‌همراه چین در صدر بازیگران این حوزه قرار دارند. این گزارش در خصوص ایران بیان نموده که " یک اینترانت (شبکه ای بسته و کوچکتر از اینترنت) ملی با محتوای مورد تایید دولت جهت جلوگیری از دسترسی ایرانیان به اینترنت جهانی در حال ساخت است" (FOTN, 2020, 3). اقتصاد سیاسی فضای سایبر با رویکرد نئولیبرال بیان می‌نمود که فضای مجازی در مولفه اجتماع و سیاست، مقوم آزادی اندیشه و بیان است که افراد و گروه های سیاسی میتوانند از این بستر برای تضارب آراء و اندیشه ها استفاده کرده و آزادانه به پیاده سازی برنامه های خود اقدام نمایند. سنت حکومتداری کشور از گذشته های دور، مجالی به اینگونه اقدامات نداده و در نتیجه مورد مخالفت است. از طرف دیگر تغییرات اجتماعی و ظهور و بروز جامعه شبکه‌ای از طریق برساختن معنا در ذهن انسان خودمختار، اقدام به تغییر مناسبات قدرت در جامعه نموده است. همین مساله موجب شده که کنترل حداقل بخشی از قدرت از دستان حاکمیت خارج شده و به سایر مراجع درون و بیرون از کشور منتقل گردد. جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ اقدامات سلبی، بدنبال کمینه ساختن این برون‌دادهاست.

در مجموع با استناد به داده های فوق و با نظر داشت مولفه سیاست در مدل تحلیل پژوهش، میتوان گفت ورود فضای مجازی به عرصه سیاست، برای جمهوری اسلامی ایران با چالش همراه بوده و مسایل فوق موجبات درک منفی شدید جمهوری اسلامی ایران از فضای مجازی در این بخش را فراهم ساخته است. بنظر میرسد در حال حاضر

نگاه به اینترنت، بعنوان محیطی در دسرساز (حداقل در حوزه های اجتماعی و سیاسی) شکل گرفته است. تناقضات موجود در نظام حکمرانی کشور (بین جمهوریت و اسلامیت) ، فضای مجازی را که میتوانست بعنوان یک عامل توانمند ساز (و شفاف ساز) در حوزه های اجتماعی و سیاسی نگریده شود، به یک لویاتان الکترونیکی ترساناک برای حاکمیت تبدیل نموده است. این حس منفی زمینه برخورد های امنیتی با فضای مجازی را فراهم نموده است. در ادامه به ارزیابی نقش فضای سایبر در اقتصاد ملی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

۳-۵ فضای سایبر و اقتصاد در جمهوری اسلامی ایران

شاید بتوان گفت که مولفه اقتصادی فضای سایبر، تنها حوزه ای است که تا حدودی خارج از حساسیت های جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. با توجه به پیوند این بخش با مفهوم توسعه و همچنین مالکیت شرکتهای اصلی توسط نهادهای حاکمیتی (و درآمد زایی عالی)، مانعی در جهت توسعه برخی لایه های آن وجود ندارد. این وضعیت در صورت هماهنگی بیشتر بخشهای مختلف پازل فضای سایبر در کشور (آموزش کسب و کارها، قوانین، تعاملات بین المللی) از پیشرفت مطلوب تری نیز برخوردار خواهد شد. ولیکن مشکلات دیگری شکوفایی و حرکت به سمت بلوغ را با مشکل روبرو کرده که از جمله میتوان به عدم ورود سرمایه خارجی، تحریمهای اعمالی چندین ساله و عدم ورود تکنولوژی به کشور، مشکل دانشی و تکنولوژیک و عدم رشد مناسب شرکتهای داخلی در حوزه های مختلف سخت افزاری و نرم افزاری، اشاره نمود. نکته قابل ذکر اینست که ایجاد ثروت در این بخش نیازمند تمرکز همه جانبه و بازتعریف نقش و جایگاه ساختارهای کشور منطبق با نیازهای فضای سایبر میباشد که در ایران مغفول واقع گردیده و با درک موجود از کلیت فضای سایبر، امید چندانی برای تحقق آن وجود ندارد. لذا توسعه انجام شده در این بخش، متوازن نبوده و یکپارچگی راهبردی در آن دیده نمیشود.

بنا بر اعلام منابع رسمی کشور، مجموع اندازه هسته اقتصاد دیجیتال در ایران چهار درصد تولید ناخالص داخلی و لایه دوم و سوم در مجموع ۲.۵ درصد شده است (گزارش اقتصاد دیجیتال ایران، ۱۳۹۹، ۱۳). بنا بر این مجموع اندازه اقتصاد دیجیتال

کشور در حال حاضر ۶.۵ درصد اقتصاد است. این سهم بنا بر گزارش اقتصاد دیجیتال آنکتاد ۲۰۲۰ در کشوری مانند چین معادل ۳۰ درصد و در آمریکا معادل ۲۱.۶ درصد از اقتصاد ملی است (UNCTAD, 2019, 7). سهم لایه اول از اقتصاد ملی در کشورمان نشان می‌دهد که تقریباً هسته اقتصاد دیجیتال (بخش ICT) به نقطه بلوغ خود نزدیک شده است، اما سهم کل اقتصاد دیجیتال کشور فاصله زیادی در مقایسه با متوسط جهان (۱۵.۵ درصد) دارد (گزارش اقتصاد دیجیتال ایران، ۱۳۹۹، ۱۵).

با نظرداشت مولفه اقتصاد در مدل تحلیل پژوهش، میتوان گفت عملکرد کشور در مولفه اقتصاد مدل تحلیلی پژوهش، انطباق بیشتری با حکمرانی جهانی فضای سایبر داراست. در مقام تحلیل شاید بتوان گفت دلیل این انطباق اینست که فهم جمهوری اسلامی ایران از بخشهای اقتصادی فضای سایبر، مثبت‌تر از سایر مولفه‌هاست و همین مساله موجبات توسعه این بخش را فراهم نموده است. این برداشت مثبت، از ملزومات استحصال کامل پتانسیلهای فضای سایبر بوده و تا زمانیکه در همگی مولفه‌ها حاصل نگردد، امکان استفاده موثر از این دارایی (فضای سایبر) در جهت شکوفایی کشور وجود ندارد. ایران در منطقه خاورمیانه ۸۴ میلیون نفر جمعیت دارد که ظرفیت بسیار بزرگی است. کشور ما با این وصف، مستعد یک جهش بزرگ در حوزه اقتصاد دیجیتال است. با توجه به واقعیتهای این بخش، شاید بتوان پیش بینی کرد که در صورت برداشته شدن تحریمهای ایالات متحده و تمرکز بیشتر مدیریت استراتژیک، شاهد پیشرفت مناسب در اقتصاد دیجیتال خواهیم بود.

در نگاه نگارندگان، پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی به اقتصاد، قدرت و اهمیت بالایی بخشیده است. اگر در نگاه رئالیستها، قدرت در شکل سخت و عمدتاً نظامی آن تعبیر میشد، در جهان جدید، این نگاه لیبرالیستی است که حاکمیت یافته است. در این نگاه، مولفه اقتصاد بالاترین نقش آفرینی را در تعیین ساختار جهانی بر عهده دارد بنحوی که رهبران کشورهای پیشرفته، در واقع پیشکار اقتصاد میباشند. در این فضا است که عرصه سایبر، بدلیل ارزش افزوده بالای خود، موضوعاتی مانند تولید و تجارت را جهانی ساخته و به کانون قدرت و ثروت تبدیل و کشورها با درک صحیح از این عامل، به رقابت جهت بهره برداری هر چه بیشتر از آن روی آورده و مسابقه ای برای شکوفایی

را شکل داده اند. در پایان باید گفت که پیشرفت اصلی در اقتصاد، نیازمند تملک دیتا بعنوان پیشران اصلی اقتصاد دیجیتال است که با توجه به عدم استقبال مردم از شبکه های اجتماعی و اپلیکیشن های داخلی و خروج داده از کشور، بزرگترین چالش پیش روی اقتصاد دیجیتال خواهد بود. چرا که عصر آینده، عصر حکمرانی دیتاست و باارزش ترین دارایی آینده کشورها داده ها هستند (آذری جهرمی، اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۸/۵/۱۴). در واقع پلتفرم های خارجی، در حال خارج سازی دیتا از کشور میباشند. مهمترین دلیل عدم استقبال مردم از پیام رسانهای داخلی، بازیگری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در فضای سایبر است که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۵ امنیت فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران

مولفه امنیت در مدل نظری پژوهش، گویای اینست که در جهان کنونی، مفهوم امنیت دگرگونی عمیقی را تجربه نموده و بسمت امنیت دسته جمعی و معنای موسع آن حرکت نموده است. هدف ما در این بخش از مقاله، بررسی سیاستهای کشور در این مولفه و تحلیل میزان همراستایی این سیاستها با مفاهیم جدید امنیت در نگاه نئولیبرالیستی است. براین اساس خطرهای تنها از منابع شناخته شده مانند جنایت کاران، بدافزارها یا هر نوع حمله سایبری هدفمند نخواهد بود، بلکه میتواند از سیاستهای اتخاذ شده نیز پدیدار شود (کیان خواه، ۱۳۹۶، ۱۶).

تعریف ما از امنیت در این پژوهش، صرفا امنیت درون شبکه نیست بلکه علاوه بر امنیت درون شبکه، هر نوع اقدام (یا عدم اقدام) که در مسیر بهره برداری موثر از فضای سایبر اختلال ایجاد نماید، مصداق عدم امنیت است. امنیت مد نظر در مفهوم جدید آن در بر گیرنده عناصر گوناگونی است که در قالب مفاهیمی مانند امنیت سایبری، نظامی سازی اینترنت، بالکانیزه شدن شبکه و اختلال در جریان آزاد اطلاعات ایضاح میگردد. با این تعریف به بررسی وضعیت امنیت فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران میپردازیم. در این بخش از مقاله تلاش خواهد شد جهت سنجش بازیگری امنیتی ایران در فضای سایبر از شاخصهای جهانی استفاده گردد. بر اساس اعلام مراجع جهانی، ایران در شاخص امنیت سایبری GCI¹ که از معیارهای اتحادیه بین المللی مخابرات (ITU) است،

1 Global Cybersecurity Index

رتبه ۶۰ را در میان ۱۶۵ کشور جهان در اختیار دارد (GCI Report, 2018, 78). میانگین جهانی آمادگی امنیت سایبری در این ارزیابی ها ۰.۳۷۰ از ۱ اعلام شده و ایران از متوسط جهانی بالاتر است. علاوه بر شاخص فوق، جمهوری اسلامی ایران در شاخص نظامی سازی اینترنت فعالیت زیادی دارد (CRS, 2020, 2). این فعالیتها عمدتاً در فضای تخصصی با ایالات متحده و غرب ایجاد شده و تکامل یافته اند. بنا بر گزارش اکونومیست ۲۰۲۰ فعالیتها و تمرکز جمهوری اسلامی ایران بر این حوزه موجب کسب رتبه هشتم توان آفندی در بین کشورهای جهان شده است.

۱۱۱

در شاخص بالکانیزه شدن شبکه، بر اساس گزارش خانه آزادی ۱ در سال ۲۰۲۰، جمهوری اسلامی ایران به همراه چین در صدر بازیگران این حوزه قرار دارند. این گزارش در خصوص ایران بیان نموده که "یک اینترنت (شبکه ای بسته و کوچکتر از اینترنت) ملی با محتوای مورد تایید دولت جهت جلوگیری از دسترسی ایرانیان به اینترنت جهانی در حال ساخت است" (FOTN, 2020, 3). راه اندازی کامل این سامانه، امکان قطع ارتباط شبکه با اینترنت جهانی را نیز از نظر فنی در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد داد. با توجه به سوابق پیشین دولت در قطع شبکه موبایل و اینترنت در مقاطع حساس، مخالفان اقدام به جدا سازی اینترنت ملی از شبکه جهانی را دور از ذهن نمی دانند. روسیه و چین نیز در حال ایجاد شبکه های مشابهی می باشند.

شاید بتوان گفت یکی از مهمترین وجه بازیگری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در فضای سایبر از نظر سازمانهای بین المللی، موضوع اخلاف در جریان آزاد اطلاعات است. بعنوان نمونه، گزارش آزادی اینترنت در سال ۲۰۱۹ بیان میدارد که آزادی اینترنت در ایران بشکل جدی محدود میگردد چرا که مقامات، روزنامه نگاران آنلاین و سایر کاربران را به حبس طولانی مدت محکوم و دسترسی به سایتهای مستقل و برخی پلتفرم های شبکه اجتماعی رامسدود نموده و مقامات کنترل شدیدی را بر زیرساختهای شبکه اعمال مینمایند (Freedom House, 2020, 15). در همین ارتباط خانه آزادی هر ساله اقدام به انتشار رده بندی آزادی اینترنت در سطح جهان مینماید. براین اساس جمهوری اسلامی ایران با ۸۹ امتیاز در پایین ترین رتبه قرار دارد.

1Freedom House

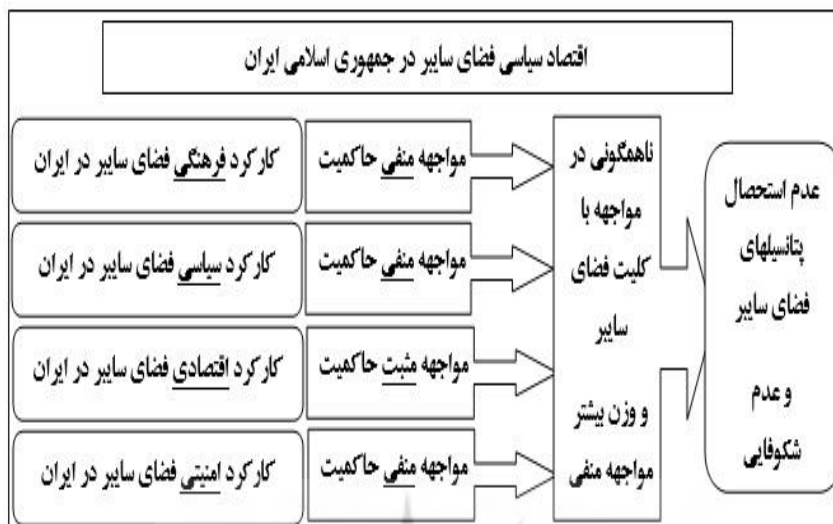
اقتصاد سیاسی فضای سایبر با رویکرد نئولیبرال، به موضوع امنیت، نگاهی موسع دارد. در این نگاه، امنیت تنها بمعنای امنیت درون شبکه‌ای تعریف نشده، بلکه هر گونه اقدامی که در مسیر بهره‌برداری از فضای سایبر اخلاص ایجاد نماید را مصداق عدم امنیت میداند. جمهوری اسلامی ایران بدلائل گوناگونی که بدانها اشاره گردید، قابلیت بازیگری در جهت بهره‌برداری کامل از شبکه را نداشته و مشغول بازیگری شدید امنیتی است. گفته شد که خطرهای تنها از منابع شناخته شده مانند جنایت کاران، بدافزارها یا هر نوع حمله سایبری هدفمند نخواهد بود، بلکه میتواند از سیاست‌های اتخاذ شده نیز پدیدار شود. سیاستهایی مانند طرح صیانت از فضای مجازی که در حال بررسی در مجلس شورای اسلامی میباشد، از جمله مصادیق این خطرهایست.

در مجموع با استناد به داده‌های فوق و با نظر داشت مولفه امنیت در مدل تحلیل پژوهش، میتوان گفت جمهوری اسلامی ایران در حال شکلی غیرسازنده از بازیگری امنیتی در فضای سایبر است. جمهوری اسلامی ایران، با توجه به رویکرد انقلابی خود در عرصه نظام بین‌الملل، همواره در حال تقابل با کشورهای غربی در حوزه‌های مختلف بوده و در این فضا، طرفین عرصه سایبر را، ابزاری مفید جهت ضربه به طرف مقابل یافته‌اند. همین مساله موجب عدم استحصال پتانسیل‌های فضای سایبر شده و بر مبنای تعریف این مقاله، به امنیت کشور خدشه وارد گردد.

با نظر داشت داده‌ها و یافته‌های این پژوهش در خصوص مولفه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی فضای سایبر، میتوان گفت که جمهوری اسلامی ایران در مجموع درکی یکپارچه و سازنده از فضای مجازی کسب ننموده است. بدین معنا که منطبق با نگاه نئولیبرالیستی به رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل در برخی مولفه‌های حساسیت برانگیز مانند فرهنگ و سیاست، برداشتی همراه با حس منفی و تقابل نسبت به اینترنت درپیش گرفته و در برخی دیگر از مولفه‌های غیرسیاسی (عمدتا توسعه‌ای و اقتصادی)، درکی مثبت‌تر ولی غیریکپارچه دریافت نموده است. حال آنکه سناریوی مناسب، بیان‌کننده وضعیتی است که در عین پیشرفت فناوری، دولتها با استقبال از فضای سایبر و فراهم آوردن شرایط مورد نیاز برای بهره‌برداری از این فضا و اتصال حداکثری افراد جامعه به شبکه، با تحولات فناوری برخورد سازنده دارند (کیان خواه، ۱۳۹۶، ۱۰). در

نتیجه موانع موجود را برطرف و بستر لازم برای تعامل حداکثری را فراهم و با پذیرش سرمایه گذاری خارجی، فضای کسب و کار را رونق می بخشند و در پی این توسعه آغاز میگردد(کیان خواه، ۱۳۹۶، ۱۰). درک موجود، نمیتواند به بسیج نهادها و امکانات پرداخته و سناریوی مناسبی جهت شکوفایی در اختیار کشور قرار دهد.

یکی از مهمترین برونداد مقاله این بود که ایستار کشورها و فرهنگها به فضای سایبر، برترین عنصر جهت دهنده به سیاستها و نحوه سازماندهی و تعامل با دنیای مجازی است. با توجه به اهمیت عنصر فرهنگ در انقلاب اسلامی و نقش برجسته این عنصر نزد نهاد روحانیت بعنوان مهمترین بازیگران تصمیم گیر عرصه های گوناگون حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران، میتوان این مولفه را از تاثیرگذارترین عوامل موثر در فهم حاکمیت از فضای سایبر در نظر گرفت. مشکل آفرینی فضای سایبر در مسیر یکدستی فرهنگی جامعه، موجبات برداشت منفی مسئولین از عرصه سایبر را فراهم نموده است. در ادامه چالشهای فرهنگی ایجاد شده، تاثیرات منفی مذکور، به حوزه اجتماع و سیاست نیز تسری و برداشت حاکمیت در مولفه های اجتماعی و سیاسی نیز تا حدود زیادی منفی شده و متولیان امر، بصورت دائمی در حال مواجهه و مقابله با فضای مجازی میباشند. در حوزه اقتصادی، بدلیل عدم وجود حساسیت، بواسطه پوشش اهداف توسعه ای کشور و برخی منافع اقتصادی و امنیتی، برداشتی مثبت (اما ناقص) حاصل گردیده است. فضای مجازی در مولفه امنیت، چالشهای فراوانی فراوی نظام حکمرانی قرار داده و بخش مهمی از بازیگری کشور به این حوزه منتقل و بنابراین برداشت منفی حاصل گردیده است. نمودار زیر تلاش دارد تا نتایج این پژوهش را بصورت مختصر در اختیار خوانندگان قرار دهد.



همانگونه که ملاحظه می‌گردد، ترکیب مواجهه حاکمیت در مولفه‌های گوناگون رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل، برآیندی ناهمگون در پی داشته و میتوان ادعا کرد که وزن بخش منفی در برداشت و مواجهه نظام سیاسی نسبت به فضای مجازی از چربش بیشتری برخوردار است. این برآیند، خروجی خود را به شکل سیاستهای سلبی در نظام حکمرانی فضای سایبر به نمایش گذارده است. این شکل از فهم فضای سایبر و سیاستهای اعمالی منتج از آن کشور را در مسیر بهره برداری از مزایای دنیای جدید با مشکل روبرو نموده است. لستر تارو گفته بود آنهایی که با صدای انقلاب صنعتی از خواب بیدار نشدند، ملت‌های توسعه نیافته کنونی لقب گرفته اند. اکنون صدایی دیگر در راه است. آنهایی که گوش خود را بر این صدا می‌بندند به‌طور مسلم، حاشیه‌نشین‌های فقیر دنیای آینده خواهند بود (کیان خواه، ۱۳۹۶، ۲).

در نگاه نگارندگان، رویکرد سنتی جامعه ایران همواره در مواجهه با مدرنیته، سازنده نبوده و در نتیجه، کشور در وضعیت عقب ماندگی فعلی قرار گرفته است. شاید بتوان گفت که تکنولوژی‌هراسی عموماً در بطن سنت و خصوصاً نهاد روحانیت قرار داشته و از طلوع عصر مدرن جریان داشته است. در نگاهی دیگر، متولیان فرهنگی بجای مواجهه فعالانه با مسایل جدید، با ابزار فیلترینگ و تعقیب قضایی، بدنبال پاک کردن صورت مساله بوده و همین رویکرد در حال حاضر نیز ادامه دارد. سیاستهای حکمرانی فضای

سایبر در حال حاضر بدنبال بستن گوش خود و مردم در شنیدن صدای جدید است ولیکن مسیر کنونی جامعه بشری بدون بازگشت است. جمهوری اسلامی ایران در نهایت راهی جز سازش و تعامل سازنده‌تر با پدیده و فور اطلاعات ندارد.

نتیجه گیری

اقتصاد سیاسی فضای سایبر در ایران، به ارزیابی عملکرد کشور در حوزه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی در فضای سایبر پرداخته و خروجی مورد نظر را با تلفیق تاثیر و تاثر سطوح داخلی و بین المللی ارائه مینماید. انقلاب دیجیتال ماهیت و نقش بازیگران اصلی از دولت‌ها گرفته تا شهروندان و سازمان‌ها را به شکل بنیادین تغییر داده و در آینده، به عنصری تبدیل خواهد شد که مانند الکتریسیته در همه جا حضور خواهد داشت. این حضور قوی و ویژگیهای منحصر بفرد فناوری اطلاعات در قالب ابزارهایی مانند متاورز¹، تغییرات عمیقی در جامعه و نظام بین الملل ایجاد میکند بنحوی که در ادبیات رشته از آن به بازصورت‌بندی نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل یاد شده است. این فرآیند در همه جای کره با شدت و حدت متفاوت شروع شده و جمهوری اسلامی ایران نیز به درون آن وارد و مشغول بازیگری خاص خود است. در شرایطی که فضای سایبر به کانون قدرت و ثروت تبدیل شده، نوع بازیگری ایران در جهت بهره‌برداری از این دارایی ارزشمند قرار دارد؟ اقتصاد سیاسی فضای سایبر در ایران چگونه بوده و چه نتیجه‌ای در بر داشته است؟

مدل بازیگری کشورها بستگی کاملی به برداشت آنها از عملکرد این فناوری داشته و مختصات تاریخی، فرهنگی و سیاسی کشورها و مسایل و مشکلات پیش روی آنان تعیین‌کننده این برداشت است. در کشوری با مشخصات ایران با لحاظ مسائلی مانند سنت، روحیه انقلابی، سطح دانش و تکنولوژی کشور و تحریمها، و بر مبنای چارچوب نظری این پژوهش (نئولیبرالیسم) به این نتیجه میرسیم که تخالف ارزشهای ذاتی اینترنت (مانند فردگرایی و جریان آزاد اطلاعات) با ارزشهای جمهوری اسلامی ایران، موجبات ناهمگونی برداشتها در مولفه های چهارگانه رویکرد اقتصاد سیاسی بین الملل یعنی فرهنگ، سیاست، اقتصاد و امنیت را فراهم نموده، بگونه‌ای که در مجموع، وزن ایستار

منفی به اینترنت سنگین‌تر و شبکه را به مشکله تبدیل نموده است. همین برداشت و نگاه منفی، موجبات بروز سیاستهای نامتناسب با نیازهای فضای سایبر را فراهم آورده و کشور را در مسیری قرار داده که امکان استحصال پتانسیل های بالای فناوری اطلاعات از آن سلب شده است. فضای سایبر قادر به خلق فرصت برابر برای همگان است. لذا کشورها میتوانند با رویکرد مناسب، نسبت به جبران عقب ماندگیهای تاریخی خود اقدام نمایند. فناوری اطلاعات در بطن خودحامل ارزشهایی مانند فردگرایی، گردش آزاد اطلاعات، آزادی اقتصادی و دموکراسی است و همراستایی سیاستهای حکمرانی کشورها باین ارزشهای ذاتی، شرط بهره برداری کامل از آن در جهت پیشرفت و ترقی است. در کشور ما همواره مقاومتهایی از سوی ساختارهای سنتی در مقابل ارزشها و نمودههای مدرنیته ابراز گردیده است. در ادامه همین روند، ایستار جمهوری اسلامی ایران در برابر ارزشهای فوق، موجبات همگن نبودن رویکرد به این عرصه را فراهم نموده و در حال تحمیل عقب ماندگی تاریخی دیگری به کشور است. رشد و ترقی در فضای سایبر، نیازمند بازتعریف و همراستایی حداکثری کلیه مولفه‌ها و ساختارهای کشور در جهت نیازهای عصر و فور اطلاعات است.

منابع

- آذری جهرمی، (۱۴/۵/۱۳۹۸)، "محور اقتصاد آینده اقتصاد دیجیتال است نه نفت"، تاریخ استخراج: <https://www.eghtesadonline.com/n/1qPu>، ۱۲/۱۱/۱۳۹۹
- افشار، محمد مهدی و نیلی پور طباطبائی، سیداکبر، (۱۳۹۴)، "فضای سایبری و نقش آن در هویت و همبستگی ملی"، کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز
- الوندی، محمد (۱۳۹۵)، "تحلیل بیانات رهبر معظم انقلاب در مورد فضای مجازی"، مطالعات رسانه ای، ۹۵

ببری، سکینه (۱۷/۱/۱۳۹۳)، "یک دیدگاه، نسبت سیاست/اقتصاد/علوم اجتماعی"، تاریخ استخراج: <http://www.philosociology.ir/daily-articles/3228-1393-01-17-> ۳/۱۱/۱۳۹۹

07-35-54.html

جوزف نای، (۱۳۹۵)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، نشر نی

- جوزف نای، (۱۳۸۷)، *قدرت در عصر اطلاعات: از واقع گرایی تا جهانی شدن*، ترجمه دکتر سعید میر ترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- جیمز روزنا و جیمز سینگ، (۱۳۹۵)، *فناوری اطلاعات و سیاست جهانی*، ترجمه دکتر احمد سلطانی نژاد، دانشگاه امام صادق
- خبرگزاری مهر (۱۹/۱۲/۱۳۹۹)، "میلاد حاتمی گرداننده سایت قمار در ترکیه تحویل پلیس ایران شد"، تاریخ استخراج: ۲۶/۱۱/۱۴۰۰، <https://www.mehrnews.com/news/516602>
- دانش‌نیا، فرهاد، (۱۳۹۳)، *فلسفه تکنولوژی و نظریه روابط بین الملل*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات سمت
- سلطانی نژاد، احمد، جمشیدی، محمد حسین، محسنی، سجاد. (۱۳۹۵). "تحول مفهوم امنیت در پرتو جهانی شدن و فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین". *سیاست جهانی*. (۲)۵، ۴۲-۷
- زینب شلهوب، (۱۳۹۱)، *قانون و امنیت سایبری در پیدایش و توسعه اقتصادها*، ترجمه ابراهیم تلخ آبی، معاونت اطلاعات آجا
- ظفری، ایوب، و فروغی‌نیا، سعید، (۱۳۹۹). "تأثیر فضای سایبری بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر جنگ نرم". *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی*، تهران
- کوهن، تنودور اچ. (۱۳۹۷)، *اقتصاد سیاسی جهانی، نظریه و کاربرد*، ترجمه عادل پیغامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- کیان خواه، احسان (۱۳۹۶)، *فضای سایبر ۲۰۲۵ تصمیمات امروز، بستر فردا*، انتشارات سروش
- گزارش *اقتصاد دیجیتال ایران*، (۱۳۹۹)، تهران: مرکز رصد و ترویج اقتصاد دیجیتال سایتک
- گزارش *سالانه تجارت الکترونیکی در سال ۹۸*، (۱۳۹۹)، تهران: مرکز توسعه تجارت الکترونیکی ایران
- گزارش *کاربران شبکه های اجتماعی ایران در سال ۱۳۹۹* (۱۴۰۰). تهران: Techrasa فارسی
- متقی، افشین، و قربانی سپهر، آرش، و انصاری، ز. (۱۳۹۸). "واکاوی تأثیر فضای سایبر در افزایش مشارکت سیاسی و اثر آن در سطح سرمایه اجتماعی شهروندان ایران". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، تهران
- مرادی، رامین، روحانی، کارن، نصیری لاریمی، رضا. (۱۳۹۹). "تمتع از فناوری بلاک‌چین در پرتو مقررات سازمان جهانی تجارت برای مبارزه با فساد". *سیاست جهانی*. Doi: 1022124/wp.2020.16357.2477.180-143
- نجفی، محسن (۱۳۹۸)، "فضای سایبر و تأثیر آن بر تحولات سیاسی و ساخت قدرت در جمهوری اسلامی ایران"، پایان نامه جهت اخذ دکتری رشته روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- هاروی، دیوید (۱۳۹۱)، *تاریخ مختصر نئولیبرالیسم*، ترجمه: محمود عبدالله زاده، تهران: نشر دات.

- Castells, Manuel (2014), "the impact of internet on society: A Global Perspective", **BBVA Openmind**, 1-23.
- CRS IF11406 (2020), "Iranian Cyber Attack Capabilities", **Congressional Service**
- FREEDOM ON THE NET FOTN (2020), Freedom House
- Freedom House Report** (2020), Freedom in the world - Democracy under siege
- Global Cybersecurity Index** (2018), ITU Publications
- Hoijsink, Marjin (2019), **Technology and agency in international relations**, Routledge
- Hootsuit Digital** (2021): Global Digital Overview
- Jan-Federick Muler (2014), **Cyberspace and International Relations**, Springer
- McCarthy Daniel (2015), **Power, Information technology, and IR Theory**, Palgrave
- Morozov, Evgeni (2014), "the internet, politics and politics of internet debate", **BBVA Openmind**, PP151/165
- Netblocks (2019), internet disrupted in Iran amid fuel protest in multiple cities, from <https://netblocks.org/reports/internet-disrupted-in-iran-amid-fuel-protests-in-multiple-cities-pA25L18b>
- Rosenau J N (1990), **Turbulence in World Politics: A Theory of Change and Continuity**, Princeton University Press.
- Schmidt, Eric (2013), **the New Global Age**, Alfred A. Knopf, NewYork, US
- Shawn, Powes (2015), **the Real Cyber War, the Political Economy of Internet Freedom**, University of Illinois Press
- Uche, Mbanaso (2015), "the Cyberspace: Redefining a New World", **Journal of Computer Engineering**, Vol 17, Issue 3, pp: 17-24.
- UNCTAD (2019), **Digital Economy Report**, United Nations